



طلسمی به نام انتخاب استاندار/«انتخاب نهایی» کیست؟

باید همچنان منتظر ماند و بر دودکش کلبه هیئت دولت «تدبیر و امید» چشم دوخت. باید ببینیم چه زمانی دود سفید «انتخاب نهایی»، از آن بیرون خواهد آمد و سکه دوازدهمین استاندار آذربایجان شرقی به نام چه کسی ضرب خواهد شد.

نقدی بر روند فرسایشی انتخاب استاندار آذربایجان شرقی
طلسمی به نام انتخاب استاندار/«انتخاب نهایی» کیست؟

باید همچنان منتظر ماند و بر دودکش کلبه هیئت دولت «تدبیر و امید» چشم دوخت. باید ببینیم چه زمانی دود سفید «انتخاب نهایی»، از آن بیرون خواهد آمد و سکه دوازدهمین استاندار آذربایجان شرقی به نام چه کسی ضرب خواهد شد.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، در حالی که دو ماه از آغاز به کار دولت جدید می‌گذرد و در شرایطی که تقریباً والیان استان‌های مطرح کشور نظیر تهران و اصفهان و خراسان مشخص شده‌اند اما با این حال و بر اساس اخبار مایوس‌کننده، هیچ اجماعی در مورد استاندار آذربایجان شرقی تاکنون محقق نشده است.

گویی انتخاب استاندار آذربایجان شرقی طلسمی است نشکستنی که هر کسی نظر خود را می‌دهد. به مانند گوشت قربانی است که از مجمع نمایندگان استان گرفته تا وزارت کشور، و از معاون اول رئیس‌جمهوری تا معاون پارلمانی اعمال نظر و انتخاب آن را حق خود می‌دانند. بعید است که برای انتخاب فردی واحد که بتواند نظر تمام این افراد و نهادها و ارگان‌ها را تامین کند همه ی این شخصیت‌های حقیقی و حقوقی به توافقی حداقل نیم بند هم برسند.

از طرفی بسیاری از همین افراد که نمی‌توان در حسن نیت و خیرخواهی آنها تردید داشت گزینه‌های محبوب و مورد دلخواه خود را مطرح می‌کنند و این افتراق آرا سبب شده تا موضوع «کرسی نشین کاخ استانداری» تاکنون لاینحل باقی بماند.

تاکنون گزینه‌های بسیاری برای این امر مطرح شده و بازتاب‌های گسترده رسانه‌ای و سیاسی نیز در مورد همان گزینه‌های افشای نام شده مطرح شده است. اما جالب‌ترین بخش این داستان بلند، جایی است که باید با تاسف بسیار از آن سخن گفت. اینکه اگر این انتخاب بیش از اندازه طولانی شود از سه منظر به زیان استان خواهد بود:

اول: با تطویل این پروسه، بسیاری از مدیران توانمند و مطرح در سطح ملی توسط نمایندگان و مدیران ارشد سایر استانها و وزارتخانه‌ها گلچین شده و دیگر فرصت حضور در استان ما را نخواهند داشت. بدین معنی که همان اندک مدیران توانمند و دوراندیش و با برنامه فعلی کشور و استان توسط سایر نهادها و وزارتخانه‌ها و دستگاه‌ها به اصطلاح شکار شده و در نتیجه دست استان ما در این بازی تاخیری و فرسایشی خالی می‌ماند و در نهایت مجبور خواهند شد به حداقل‌ها قناعت کنند. یعنی اینکه باید به استانداری با توانمندی و قدرت متوسط هم راضی بود. موضوعی که در مورد گزینه‌هایی مانند: عبدالعلی‌زاده و سیدحسین هاشمی ... پیش آمد.

دوم: استانداری که در دقیقه 90 انتخاب می‌شود هم از انگیزه کافی برای کار برخوردار نخواهد بود و هم اینکه آن اعتبار و جایگاه را در بین مردم، نمایندگان و مدیران نخواهد داشت. نمونه‌های عینی این فرضیه را می‌توان در سطح مدیران استانی و در طی ادوار گذشته نیز به وضوح مشاهده کرد که چگونه انتخاب عجولانه مدیر یک دستگاه، سبب تشدید اختلافات و تنش‌ها در سطح استانی گردیده است.

سوم: استاندار فعلی (علیرضا بیگی) خود هم قبول دارد که رفتنی است و به صراحت با قبول این واقعیت، اعلام کرده سیستم جدید حاکم بر دولت، ایجاب می‌کند که مدیر جدیدی به جایش انتخاب شود. هر چند هرگز نمی‌توان به لحاظ روحیه شناخته شده و شخصیت ذاتی علیرضاییگی احتمال هر گونه تساهل و انفعال در اداره امور استان را بر او وارد دانست اما با این حال هیچ عقل و منطقی، بلا تکلیفی یک مدیر در اداره یک دستگاه را بر نمی‌تابد و علم مدیریت نیز دخالت دست‌های پنهان در سازمان اداری، سهل‌انگاری‌ها و کم‌کاری‌ها و در نهایت بروز خطا و تخلف در دستگاه در حال انتظار مدیر جدید را محتمل می‌داند.

بیگی در مدت دو ماه گذشته نشان داده که در این واپسین روزهای حضورش در استانداری نیز همچون روزهای اول با تمام توان و انرژی سکان کشتی اداره استان را در دست دارد اما این دلیل نمی‌شود که همه مدیران و معاونان او بر مرام و ایده او باشند!

اکنون همه سایت‌های خبری و نشریات چاپی مهمترین بحث خود را به انتخاب استاندار دوازدهم آذربایجان شرقی و گزینه‌های مورد علاقه خود اختصاص داده‌اند. برخی از سایت‌ها بسته به نزدیکی و دوری خود نسبت به گزینه‌های مطرح شده برای برخی سنگ تمام می‌گذارند و برای برخی دیگر بهانه تراشی کرده و از معایب بسیارش سخن به میان می‌آورند. در این بین برخی نمایندگان استان نیز برای مصاحبه با رسانه‌ها و ابراز وجود خود و بیان موضع‌گیری‌های گاه سوال برانگیز! کورس گذاشته‌اند. به روشنی و سادگی می‌توان تشتت در آرای نمایندگان و مدیران وزارت کشور و هیئت دولت را مشاهده کرد.

آیا مردم استان حق ندارند از وکلای خود در مجلس بپرسند که چرا هر یک از نمایندگان یا گروهی از آنها هر کدام گزینه‌های متفاوتی را مطرح کرده و بر انتساب یا رد آنها تا این اندازه اصرار می‌ورزند؟ مگر انتخاب استاندار جزو وظایف وزارت کشور و دولت حاکم نیست؟ پس چرا نمایندگان تا این اندازه در امور اجرایی دخالت می‌کنند که نقش «مشورتی» آنها در این قضیه زیر سؤال برود؟ چرا برخی نمایندگان تا این اندازه مصرّ به انتخاب گزینه‌ای هستند که سبب می‌شود تا در آینده دست و بال آنها را برای انتقاد از همان مدیر و استاندار به خاطر عملکردش و مدیران تحت امر او و حتی دولت متبوع ببندد؟

در این آشفته بازار انتخاب اما به نظر می‌رسد وزارت کشور موضعی کاملاً بی طرف و بی نظر را انتخاب کرده که این امر از زیرکی وزارت کشور است! مدیران وزارت کشور بیشتر در نقش تماشاچی ظاهر شده‌اند و هرگز نمی‌خواهند خود را در این بازی خطرناک وارد کنند که مبادا پس فردا نتوانند جوابگوی آن باشند. آنها تلاش می‌کنند همه تبعات انتخاب مدیر ارشد آینده استان را به گردن خود نمایندگان و مردم استان بیندازند. در چنین شرایطی اگر مدیر آینده نتواند نظر مردم، مسئولان و نمایندگان را جلب کند در آن صورت وزارت کشور از موضعی طلبکارانه با قضیه برخورد خواهد کرد و همه توپها را به زمین مجمع نمایندگان خواهد انداخت.

پروژه انتخاب استاندار آذربایجان شرقی اگر طی روزهای آینده نتواند از بن بست خارج شود و این موضوع حساس به حالت فرسایشی و واکنشی، افکار عمومی را به خود مشغول دارد زیان‌های مضاعفی را بر سر راه توسعه و آبادانی استان بر جای خواهد گذاشت که ممکن است یادآوری آن برای سال‌های بعد هم مایه تاسف همه آذربایجانی‌ها شود.

اگر استاندار بعدی عنوان سیزدهمین استاندار آذربایجان شرقی را یدک می‌کشید شاید می‌شد از نحسی عدد سیزده سخن گفت و این ناکامی را به نام عدد 13 و نحسی آن نسبت داد. اما در شرایط کنونی اخبار خوشایندی از اردوگاه مدیران ارشد کشور و تصمیم گیرندگان اصلی این موضوع به گوش نمی‌رسد.

باید همچنان منتظر ماند و بر دودکش کلبه هیئت دولت «تدبیر و امید» چشم دوخت. باید ببینیم چه زمانی دود سفید «انتخاب نهایی»، از آن بیرون خواهد آمد و سکه دوازدهمین استاندار آذربایجان شرقی به نام چه کسی ضرب خواهد شد!

نگارنده: محمد امین خوش‌نیت